



ترکی سرایان عصر صائب تبریز



مؤلف و گردآورنده:

دکتر حسین محمدزاده صدیق



ترکی سرایان عصر صائب تبریز

مؤسسه انتشارات یاران

تبریز: خیابان امین، پاساژ کریمی تلفن: ۵۵۶۷۹۲۵
خیابان امام، نرسیده به تربیت، انتشارات یاران
کتابفروشی نوبل تلفن: ۵۵۵۷۲۹۶، فاکس ۵۵۵۱۴۶۲
انتشارات آذربایجان تلفن: ۵۵۴۱۱۳۱
انتشارات وفا جو تلفن: ۵۵۶۹۸۸۶





ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

مؤلف و گردآورنده:

دکتر ح. م. صدیق

سرشناسه : محمدزاده صدیق، حسین، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : ترکی سرایان عصر صائب تبریزی / مولف و گردآورنده ح. م. صدیق.

مشخصات نشر : تبریز: یاران، . مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص: جدول.

شابک: ۳-۵۸-۲۳۴-۹۶۴-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: صائب، محمدعلی، ۱۶-۱۰۸۶؟-۱۰۹۱-ق.

موضوع: شاعران ترک (فارسی زبان)-- قرن ۱۱ق.

موضوع: شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۱ق.

رده بندی کنگره: PL ۳۱۴ / ۳۳۳ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۱۱۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۵۹۹۰۲

ترکی سرایان عصر صائب تبریزی

• مولف و گردآورنده : دکتر ح. م. صدیق • ناشر : یاران

• چاپ: پرنیان (روی جلد : محمدی علمیه)

• تیراژ: ۱۰۰۰ جلد • نوبت چاپ : اول • قطع: رقعی - ۱۱۲ص

• شابک: ۳-۵۸-۲۳۴-۹۶۴-۹۷۸

• بهاء: ۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

مراکز پخش انتشارات یاران

تبریز- خیابان امین، پاساژ کریمی تلفن: ۵۵۶۷۹۲۵-۵۵۴۱۱۳۱

خیابان امام، نرسیده به سه راه تربیت، انتشارات یاران، کتابفروشی نوبل

تلفن: ۵۵۵۷۲۹۶ تلفاکس: ۵۵۵۱۴۶۲

انتشارات آذربایجان تلفن: ۵۵۴۱۱۳۱



جدول آسان خوانی متون ترکی

برای آسان خوانی متون ترکی، برخی تغییرات در نگارش کلمات ترکی در این کتاب اعمال کردیم که در جدول‌های زیر نشان می‌دهیم؛ و همچنین سعی کردیم شکل نگارش کلمات دخیل عربی و فارسی را نیز حتی‌الامکان مطابق مبدأ و اصل آن‌ها حفظ کنیم.

۱. جدول واک‌نگاری

معادل حروف لاتین		مثال	نشانه‌های واکه‌های ترکی
almaq	A , a	الماق (گرفتن)	ا ، آ
əl	Ə, ə	ال (دست)	اِ ، اَ ، ه
ilan	İ, i	ایلان (مار)	ای ، بی
qızıl	I, ı	قیزیل (طلا)	ای، بی، ی
sol	O, o	سؤل (چپ)	او، و، وُ
söz	Ö, ö	سۆز (سخن)	او، وُ، وُ
ulduz	U, u	اولدوز (ستاره)	او، و، و
düzmək	Ü, ü	دۆزمک (صبر کردن)	او، وُ، وُ
yel	E, e	یئل (باد)	اِئ ، اَئ ، ه

۲. جدول آواک‌نگاری

معادل حروف لاتین		مثال	نشانه‌های آواک‌های ترکی
buz	B, b	بوز (یخ)	ب / با / بب
öpmək	P, p	اؤپمک (بوسیدن)	پ / پا / پپ
toy	T, t	توی (جشن)	ت / تا / تت
Sürəyya	S, s	ثریا	ث / تا / تث
can	C, c	جان	ج / جا / جج
çaxmaq	Ç, ç	چاخماق (آتش زنه)	چ / چا / چچ
Həvvə	H, h	حوا	ح / حا / حح
xalıq	X, x	خالیق	خ / خا / خخ

جدول آسان خوانی متون ترکی

daş	D, d	داش (سنگ)	د / د
zövq	Z, z	ذووق	ذ / ذ
bir	R, r	بیر (یک)	ر / ر
ziğ	Z, z	زیغ (چکل)	ز / ز
jalə	J, j	ژاله	ژ / ژ
sərin	S, s	سرین (خنک)	س / س / س / س
şəhid	Ş, ş	شهید	ش / ش / ش / ش
sidq	S, s	صدیق	ص / ص / ص / ص
zəlalət	Z, z	ضالالت	ض / ض / ض / ض
Tur-e Sina	T, t	طور سینا	ط / ط
zill	Z, z	ظل	ظ / ظ
Cə`fər	`	جعفر	ع / ع / ع / ع
bağ	Ğ, ğ	باغ	غ / غ / غ / غ
fəna	F, f	فنا	ف / ف / ف / ف
qaş	Q, q	قاش (ابرو)	ق / ق / ق / ق
kəsmək	K, k	کسمک (بریدن)	ک / ک / ک / ک
gəzmək	G, g	گزمک (گشتن)	گ / گ / گ / گ
diləyim	Y, y	دبله گیم (آرزویم)	ی / ی / ی / ی
lalə	L, l	لاله	ل / ل / ل / ل
misikin	M, m	میسکین	م / م / م / م
incə	N, n	اینجه (ظریف)	ن / ن / ن / ن
vaxt	V, v	واخت (وقت)	و / و
hilal	H, h	هیلال	ه / ه / ه / ه
yaban	Y, y	یابان (دشت)	ی / ی / ی / ی

فهرست مطالب

۳۸..... سن سیز کۆنلۆم باھارې نئيلر، ۴۴..... ۵. فردلر ۴۴..... آخر تاپېلدې گۇلشنى نين اوغرو قاپېسى، ۴۴..... بزمينده شمع ايستر ممتاز محفل اولسون، ۴۴..... فنادان سۇنرا هم اهل هُردن خلق ممنوندور، ۴۴..... دئدى: «يئنه اول شوخ كى وار ياخشې جا...» ۴۵..... بخش دوم: عصرى تېرىزى ۴۶..... عصرى تېرىزى كيست؟ ۴۹..... ۱. غزللر ۴۹..... سنى هر گۇردۇگۇم دم، باشقا بير عالم اولور پيدا، ۵۰..... ساقيا، ساقيا، شراب، شراب، ۵۱..... دئديم: «اى شوخ! ستم تركين قليب هم...» ۵۲..... باغليام سن نگارا سايه قدير، ۵۲..... ذوق وصال ديدى گريان ايلن چبخار، ۵۳..... بو كۇنۇل دشت جنونون يئنه اواره سيدير، ۵۴..... فصل گۇل، وقت طرب، دعوت گۇلشن دىمى دير، ۵۴..... كۇنلۇمدەكى هر يارادا اى يار الين وار، ۵۵..... بيز بو دنيا بزمينه، رندانه گلميزلرده نيز، ۵۶..... طالب كوى يار اولور گنده ريز، ۵۷..... ساقى! پر انت پيمانەنى دۇرانه گل، دۇرانه گل، ۵۸..... نگارا يار ايلن مست اولموشوق پيمانەدن اول، ۵۹..... منى ظن ائتمه كى مست الست اولدوم، ۵۹..... جانا! در كويوندا نصيب اولسا تبارېم، ۶۰..... ره عشقينه جانا! جسم و جانى ياده ترك ائتديم، ۶۱..... لطفونله كييم اولور منه آنجاق مرام، رام، ۶۲..... اولدو بهار، گۇلشنه گلمه يه آهسته سين،	۹..... مقدمه ۱۱..... بخش نخست: تأثير تېرىزى ۱۲..... تأثير تېرىزى كيست؟ ۱۶..... ۱. غزللر ۱۶..... يارى باطل ائيلهدى لعنت سنین عرفانېنا، ۱۷..... منيم تگ هئچ كييمين احوالى درهم ...، ۱۸..... قالخ يئردن، اى پرى! بير جلوهى مستانه ائت، ۱۸..... نه عجب لعلين ائدهر غنچهى خندان ايله بحث، ۱۹..... مه گيزلهدى اؤز چهرهى خندانېنى گۇرگج، ۲۰..... گۇن گۇرۇب اول اؤزه ۲۱..... پستهدن بير آغزې واردېر نقل و حلوا تگ لذيت، ۲۱..... حُسُوندن اول پرى منى دون ائيلهدى خبر، ۲۲..... رخسارېن اولان يترده داخى گۇل نه اوچوندور، ۲۳..... گۇل قونچاسې تگ قانلې گۇرۇم ياشا گليدير، ۲۴..... هى! هى! بو گۇن داخى نه عذار و نه گونه دير، ۲۴..... نه باشېمې تانېرام، نه آياق مى دن ايراق، ۲۵..... بيتيرديم حاجتېم، گۇردۇم، گۇتۇردۇم آل ۲۶..... داغېتدې اغلېمې بير نازلې دلېر شمع تگ قانلې، ۲۸..... ۲. دۇردلۇك (مربع)لر ۲۸..... منه بينوا دئيرلر، ۳۰..... بۇتم، صنمېم، شكسته پرم، ۳۱..... آه اى مېوش غمېندن تا اولۇم نالان اولوم، ۳۲..... اؤز گيزلمه اى ماه فلک! شاهى سئوهرسن، ۳۵..... ۳. بئشليك (مخمس) ۳۵..... آيې گۇرمهلى دئيللر، ۳۸..... ۴. ترجيع بند
---	--

۸۹.....	هر دم الدن منى اول پنجهى مژگان آپارار،	۶۲.....	أهيم مثالي، سرو خرامان اوزون اوزون،
۹۰.....	اتتمه ميشيدير دوستوم باغربن سنین قان انتظار،	۶۳.....	جانا! اوزونون لمعه سینی جامه دؤشوردون،
۹۱.....	هر گوشه ده مين عاشق خونين جگرين وار،	۶۴.....	ساقيا! جامی يوروت می سؤن آلين نور اولسون،
۹۲.....	من طبييم هر کيمين کيم درد بى درمانى وار،	۶۵.....	لشکر مژگان تيرانداز دلجولانماسين،
۹۲.....	کۆنلۆم أَلماق قصدينه چون شوخ طنازيم کنچر،	۶۶.....	ماه نو شېدن شېه غيرتله مهرولانماسين،
۹۳.....	دئمه بى تاب کۆنۆل گوهر غلطانه ديگر،	۶۶.....	دئديم: «ناز ائيله مه جان! نه دير او؟»
۹۴.....	تا گۆزۆم وار کۆنلۆم اگيلمز منيم دلدارسيز،	۶۸.....	گهی عاقل، گهی حيران، گهی شيدا کۆنۆلدور بو،
۹۵.....	گرچی قويماز چکمه گه کاممجا دوران بير نفس،	۶۸.....	ای تیر غمین چون دل عشاقا نشانه!
۹۶.....	دل بى تاب اريتيش باغربمي گۆزدن روان،	۶۹.....	دل مرغی آراز زلفونو هو - هولار ايچينده،
۹۷.....	روضه ی رضوان کی دئيرلر عارض جانان ايميش،	۷۰.....	اؤلماز بيليرم سن کیمی مهرولار ايچينده،
۹۸.....	حُسن اگر آيينه اؤلسا اؤنا جوهردير عشق،	۷۱.....	کُفر زلفوندن آلب ايماں، ايماں اؤستؤنه،
۹۹.....	عاشقه صبح اميد شام هجراندير خيال،	۷۱.....	مست اۇلانلار ذوق لعل يار ايله،
۱۰۰.....	سالبيدير اؤدلارا تا شمع رخساربن منى،	۷۲.....	ابرو ايله، چشمان ايله مشکل ايکي لشدی،
۱۰۱.....	اؤيله کيم من اؤلوموشام سرمست، هشير،	۷۳.....	أه ائتدی دليم، بۆلۆل زاربن گۆزۆ قالدی،
۱۰۲.....	عشقينده گر يۆز ايل يانار اؤلسام کی يانمارام،	۷۴.....	يؤخ درد عشقه، آنا کی درمان دئديکلى،
۱۰۳.....	عؤمرلردير يار اؤچون پامال اغيار اؤلوموشام،	۷۶.....	۲. تخميس (غزل فضولى)
۱۰۴.....	ساقيا! پروانه ی شمع شې هجرانبنام،	۷۶.....	بو مادرزاد اۇلان درددير، طبييا! التيام اؤلماز،
۱۰۵.....	يارب! اول بى دردی درديمن خبردار ايسته رم،	۷۸.....	۳. مثنوی (پندنامه ی عصری)
۱۰۶.....	فکر آرا هر گاه اغزين غنچه سين ياد ائيله رم،	۷۸.....	ننچه جوهرلى سۆز دئميش آتالار،
۱۰۷.....	جانا يئتديم بيلمه رم اغيار ايلندن ئئييه يم؟	۸۱.....	۴. گرايلى
۱۰۷.....	گۆزۆم هر چند قانلار تۆكدۆ چرخين اؤدلو،	۸۳.....	بخش سوم: قوسى تبريزى
۱۰۸.....	سه لدير تسخير قبلماق سربه سر دنيا اؤزۆن،	۸۴.....	قوسى تبريزى کيست؟
۱۰۹.....	گرچی بيلمز زلفون احواليم پريشان اؤلدوغون،	۸۶.....	۱. غزللر
۱۱۰.....	هر چند يئتمه سه منه دوراني ساقين،	۸۶.....	ساقيا سونموش منه نظاره دن اول گۆز شراب،
۱۱۱.....	اول کبابم کيم منى ياندرما مېش کۆز قالمادي،	۸۷.....	شيشه مى گر چالسا داشدان داشا اول رعنا ايگيد،
۱۱۲.....	منابع	۸۷.....	ايچ شراب ناب اؤزۆن ساقی! منه مستانه باخ،
		۸۸.....	اول لبين شراب وئرهر، سؤنرا قان دوتار،

مقدمه

در تاریخ کشور ما، دوران صفویه، اوج شکوفایی ادبیات ترکی به حساب می‌آید. شاه اسماعیل صفوی خود با تخلص ختایی شعر می‌گفت. هم به شیوه‌ی اشعار بومی هجایی به سبک عاشیق‌ها و هم در اوزان عروض، دیوان مهمی دارد. در دربار او چهار صد تن شاعر فعالیت می‌کردند. حبیبی ملک الشعراء دربار وی نقش قابل توجهی در هدایت این شاعران به شعر صوفیانه و مذهبی داشت. در دربار او و در دربار شاه تهماسب صفوی مدایحی که از سوی شاعران سروده می‌شد، در مناقب امامان شیعه و اولیا و بزرگان طرائق صوفیه بود. و اگر هم شاعران شاهان صفوی را مدح می‌کردند، به دلیل اعتبار معنوی و گرایش‌های دینی آنان بود که اغلب همگی را کلب آستان امامان می‌نامیدند. غریبی شاعر دربار شاه تهماسب دیوانی در مناقب امامان و اولیاء الله ترتیب داد.

گذشته از شاعران رسمی، چندین صد قویوزنواز که آنان خود را «عاشیق» نامیده‌اند، مورد توجه دربارهای صفوی بودند که در ایجاد روحیه‌ی سلحشوری در مریدان صفویه و به نظم کشیدن منظومه‌های حماسی، رزمی، قهرمانی، غنایی و تغزلی نقش مهمی را در تاریخ ایفا کردند. مانند عاشیق قربانی در عهد شاه اسماعیل

و عاشق عباس توفارقانلی در زمان شاه عباس که آثارشان از گوهرهای گرانبهای ادبیات عاشیقی به شمار می‌رود.

در این روزگار، شعرای دربار، علاوه بر ترکی، به فارسی نیز شعر می‌گفتند. مانند فضولی و صائب تبریزی که هر کدام دیوانی بزرگ از اشعار فارسی خود ترتیب دادند. افتخار ایجاد و ابداع سبکی نوین در شعر فارسی نیز که بعدها معروف به «سبک هندی» شد، نصیب این دو سخنگوی برجسته‌ی آن روزگار است که توانستند شعر فارسی را به شاخه‌ی تعلیمی آن سوق دهند و مضمون‌پردازی و معناگستری در شعر را همگانی سازند.

صائب تبریزی که صد و بیست هزار بیت شعر فارسی ساخته است، دیوانی ترکی نیز دارد که آن را تذکره‌نگاران بیست هزار بیت نوشته‌اند. در این کتاب سه تن از شاعران ترکی‌سرای هم‌روزگار وی را معرفی می‌کنیم که کم و بیش پیروی از او کرده‌اند.

بخش نخست:

تأثیر سبزی



تأثیر تبریزی کیست؟

میرزا محسن تأثیر تبریزی یکی از ترکی سرایان عصر صائب است. نصرآبادی در تذکره‌ی خود^۱، حزین در تذکرة المعاصرین^۲ و مرحوم مدرس در ریحانة الادب^۳ از او یاد می‌کنند.^۴ او مدتی حکومت یزد را در دست داشت. علاوه بر اشعار ترکی، دارای هفت مثنوی بلند و دیوان قصاید و غزلیات فارسی نیز است.

در فارسی و هم در ترکی، وی به گونه‌ای پیرو صائب است.

تأثیر در جایی گوید:

حاذق نبض سخن در همه‌ی عالم نیست،

به جز از صائب و تأثیر که از تبریزند. (دیوان تأثیر/ ۴۶۳)^۵

او در دیوان فارسی بسیاری از غزل‌های صائب را استقبال کرده است و در برخی از مقطع‌ها نیز، خود به این، اشاره‌ها دارد. مانند:

بود در عرصه اگر حضرت صائب، تأثیر،

قدر پوشیده نمی‌ماند سخن‌های مرا. (دیوان تأثیر/ ۲۳۲)

شعر تأثیر گر آن است که صائب فرمود:

جای حرف است که گویند سخنور ما را. (دیوان تأثیر/ ۲۶۲)

^۱ چاپ تهران، ص ۱۱۹.

^۲ چاپ سنگی، ص ۹۸.

^۳ ج ۱، ص ۱۹۷.

^۴ مرحومان تربیت و حاج حسین نخجوانی نیز هر کدام مقاله‌ای پژوهشی در شرح احوال وی نوشته‌اند: تربیت، محمدعلی. مجله‌ی ارمغان، سال ۱۲، ص ۱۶۱-۱۷۱. / نخجوانی، حاج حسین. مجله‌ی دانشکده ادبیات تبریز، سال ۱، ص ۴۷-۵۲.

^۵ تأثیر تبریزی، میرزا محسن. دیوان، به کوشش امین پاشا اجلالی، تهران، ۱۳۷۴.

در سخن عذر مرا تأثیر صائب خواسته است:
 سرمه‌ی گفتار شد چشم سخن‌گویش مرا. (دیوان تأثیر/ ۲۸۶)

جواب آن غزل است این که فکر صائب گفت:
 به بحر، کشتی من آشناست همچو حباب. (دیوان تأثیر/ ۳۰۰)

تأثیر هم‌نواست به صائب در این غزل،
 هر چند پرده‌هاست مخالف، نوا یکی است. (دیوان تأثیر/ ۳۶۳)

جواب آن غزل صائب است این، تأثیر،
 که همچو نامه‌ی سربسته است هر سخنش. (دیوان تأثیر/ ۵۹۱)

میرزا محسن تأثیر تبریزی در دیوان خود صائب را می‌ستاید و می‌گوید:
 صائب شیرین سخن در شعر مستثنی بود،
 ورنه تأثیر از که در ایجاد معنی بهتر است؟ (دیوان تأثیر/ ۳۵۰)

و در جایی در شعر، خود را هم‌سنگ صائب می‌شناسد:
 بر آن جمال اگر بنگری به دیده‌ی انصاف،
 چو شعر صائب و تأثیر انتخاب ندارد. (دیوان تأثیر/ ۵۴۴)

در جایی به تبریزی بودن خود، صائب وار می‌نازد و می‌گوید:
 به صحت سخن خود دلیل من تأثیر،
 همین بس است که از خاک پاک تبریزم. (دیوان تأثیر/ ۶۰۶)

و در جایی می‌گوید:
 زیج در عشق چو من کس نتواند بستن،
 من ز تبریزم اگر خواجه نصیر از طوس است. (دیوان تأثیر)

دیوان ترکی تأثیر مفقود شده است و چند قطعه شعر از آن دیوان اکنون
برجای است. تأثیر در دیوان ترکی خود نیز از صائب تأثیر پذیرفته است و حتی
برخی از اشعار او را جواب گفته است. چنان که غزل به مطلع:
مه گیزله‌دی اؤز چهره‌ی خنداننې گؤرگج،
جیران ستویشیب نرگس فتاننې گؤرگج. (همین کتاب/ ص ۱۹)

را در پاسخ این غزل صائب سروده است:
الدن چبخارام زلف پریشاننې گؤرگج،
هوشدان گنده‌رم سرو خراماننې گؤرگج.^۶

و در اقتفای این غزل از فضولی:
منیم تک هیچ کیم زار و پریشان اؤلماسن یارب!
اسیر درد عشق و داغ هجران اؤلماسن یارب!^۷

گوید:
منیم تک هیچ کیمین احوالی درهم اؤلماسن یارب،
غریب و بی‌کس و بی‌یار و همدم اؤلماسن یارب! (همین کتاب/ ص ۱۷)

در جای دیگر فضولی گوید:
خط رخسارین ائدر لطفده ریحان ایله بحث،
حسن صورتده جمالین گل خندان ایله بحث. (دیوان فضولی/ ص ۱۷۱)

^۶ محمدزاده صدیق، حسین. شرح اشعار ترکی صائب تبریزی، تهران: نکدرخت، ۱۳۸۹. ص ۹۲.

^۷ فضولی بیاتلی، محمد بن سلیمان. دیوان اشعار ترکی، تصحیح: دکتر حسین محمدزاده صدیق، تبریز، اختر، ۱۳۸۴. ص ۱۶۴.

و تأثیر در جواب او گوید:

نه عجب لعلین ائدهر غنچه‌ی خندان ايله بحث،
یفتیشه‌ر ائتسه رُخون یوسف کنعان ايله بحث. (همین کتاب/ ص ۱۸)

در سرودن غزل به مطلع:

پسته‌دن بیر آغزې واردېر نقل و حلوا تک لذیذ،
ایکی أمجک، نعمت خوان مسیحا تک لذیذ. (همین کتاب/ ص ۲۱)

غزل زیر از فضولی را سرمشق قرار داده است:

ای مذاق جانا جورون شهد و شکر تک لذیذ،
دم به دم زهر غمین قند مکرر تک لذیذ. (دیوان فضولی/ ص ۱۷۷)

همچنین در غزل:

بیتیردیم حاجتیم، گوردؤم، گوؤردؤم آل دعالاردان،
گوؤزل مقصود ایمیش بی‌مدعالبی مدعالاردان. (همین کتاب/ ص ۲۵)

به این غزل از فضولی نظر داشته است:

کرم قبل کسمه ساقی التفاتین بینوالاردان،
لیندن گلدیگی خیری دریغ ائتمه گدالاردان. (دیوان فضولی/ ص ۲۱۸)

اشعار ترکی وی را در سال ۱۳۶۲ با استفاده از نسخه‌ی خطی دیوان تأثیر تبریزی که به شماره‌ی ۲۳۸ در کتابخانه‌ی شهید مطهری (سپهسالار سابق)^۸ نگهداری می‌شود، تصحیح و در مجله‌ی یئنی یول^۹ انتشار دادم. همین اشعار را به این کتاب انتقال می‌دهیم.

^۸ فهرست نسخه‌ها، ج ۳، ص ۱۸۵۰.

^۹ ح، م. صدیق. میراز محسن تأثیر تبریزی، مجله‌ی یئنی یول، تهران، ۱۳۶۰، ش ۵.

۱. غزلر

- ۱ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- - ۰ - / - - ۰ - / - - ۰ -)

یاری باطل ائیلهدی لعنت سنین عرفانینا،
ای رقیب آخر نئچون رحم ائیلهمزسن جانینا.
دین و دل هر کیمده گوردو، ظلمون تاراج ائدر،
دوغرودو هر کیم آلی اگری ده گر مژگانینا.
اؤل گؤل بی خار ایلن سودای نسبت دیر خطا،
نئچون ای گؤل دسته سی بئل باغلایبسان قانینا.
نرگستان اؤلوموسان اهل نظر اقبالینا،
بسکی نرگسلر تیکیب گوز نرگس فتانینا.
اؤل گؤل رخساردان چوگان خطدور آشکار،
یا خضر دیر مایل اؤلوموش چشمه ی حیوانینا.
ووردو اؤزؤن داغا - داشا هر زمان آب حیات،
اتسه تا جانین فدا، فرصت چاتپی جولانینا.
تا سنینلن سئودیگیم گرم اختلاط اؤلوموش رقیب -
غیرت ایله یانارام هر گاه گلسم یانینا.
گرچی هر محفلده اؤلدون شمع بزم اختلاط،
دوغرودان گر کئچمه سن لایق دگیلدی شانینا.

تاپمادی تاثیر کویوندا ایتینجه اعتبار،
هر قدر آرتیق تضرع ائیلهدی دربانینا.

- ۲ -

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (۰ / --- ۰ / --- ۰ / --- ۰ / ---)

منیم تک هئچ کیمین احوالی درهم اولماسین یارب،
غریب و بی کس و بی یار و همدم اولماسین یارب!
وطن خلدوندان ایراق، ایری دؤشمؤش حور و رضواندان،
گر آدم نسلی دیر، محتاج آدم اولماسین یارب!
قفس ایله قناعت ائیلهمیش قوش باغ و گلشندن،
..... ایچدیگی قان، بیلدیگی غم اولماسین یارب!
اؤلوب قان زار کؤنلؤم قطره - قطره دامدی گؤزلردن،
بو عالم کیمسه ده اشک دمام اولماسین یارب!
دولو مینای می تک اؤلموشام احباب الیندن رد،
قرین آه و افغان چشم پریم اولماسین یارب!
ازلدن بیعت ائتمیش لاله تک درد ایله درمانیم،
جگر داغینا کؤنلؤن قانی مرهم اولماسین یارب!
مگر تغییر اولای تاثیر حقن بخت و اقبالین،
خط نقش جبینین خط خاتم اولماسین، یارب!

- ۳ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (- - - - - / - - - - - / - - - - - / - - - - -)

قالخ يئردن، ای پری! بیر جلوه‌ی مستانه ائت،
 بیدی مجنون ائيله‌دین، شمشادی هم دیوانه ائت.
 بیر خرام ناز ایلن محفله ای نازک نهال،
 سروی قمری ائتمیسن، شمعی داخی پروانه ائت.
 بو گۆز ایلن منت میخانه چکمکدیر خطا،
 گوشه‌ی چشم ایله باخ، هر گوشه‌نی میخانه ائت.
 ایکی مین فرهاد و مجنون هر لیلین ایجاد ائله،
 جلوه‌لن، شیرین و لیلی قصه‌سین افسانه ائت.
 ایستی‌لیک منظور اگر اولسا شراب نابدان،
 عاشقی یاندېر، کؤلوندن ساغر و پیمانه ائت.
 مین دل آزاد، ائدیپ زلف پریشانین اسیر،
 سرو آغاجبندان او زلف دلکشی چین شانه ائت.
 ایکی عالم‌دن گۆتور آل، ای کونؤل! جانان اوچون،
 سن داخی تأثیر تک بیر همت مردانه ائت.

- ۴ -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (- - - - - / - - - - - / - - - - - / - - - - -)

نه عجب لعلین ائدر غنچه‌ی خندان ایله بحث،
 یئتیشه‌ر ائتسه رُخون یوسف کنعان ایله بحث.